

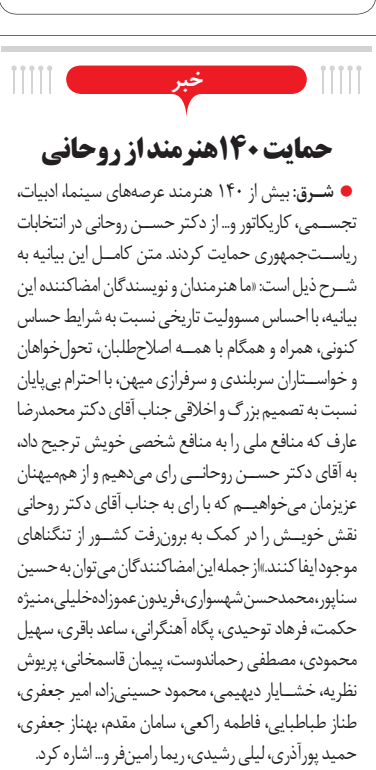


۱- فال‌ز از هر اتفاقی که در روز جمعه در انتخابات ریاست‌جمهوری می‌افتد، ما از هم‌اینک پیروز شداییم. وضع امروز ما را از آنچه در سال ۸۴ انجام دادیم مقایسه کنید. با کمترین امکان رقابت و مانور سیاسی در صفحه‌شطرنجی بازی می‌کنیم که مهم‌ترین مهرهایمان بازی نبودند. مثل اینکه تیم فوتبالی از آغاز سوت داور ۹ نفره بازی خود را در زمین حریف شروع کرده باشد. اما تا این لحظه نشان دادیم قدرت پیروزی و تدبیر که مهم‌ترین مولفه در سیاست زمینی است را دارا هستیم. ما از آسمان به زمین و از آزمان به واقعیت و از کار یزما به انسان سوق یافتیم. ملت ما در این چند سال نشان داد که تا چه اندازه‌ای در سمپهر سیاست ایران کارآموزی کرده و راه سیاست‌ورزی را یاد گرفته‌است. بامان باشد ما در حالی پشت حریف را می‌لرزانیم که با ایدل‌هایمان در رقابت حضور یافتیم. اما در ذهنیت و عمل سیاسی به تعالی رسیده‌ایم. ما نشان دادیم که در این حوزه پیشرفت کرده‌ایم.

۲- دیروز کجا و امروز کجا دیروز با شش کاندیدا وارد شده و در تشتت و احساس تکلیف گوی از هم می‌رویدیم. اما امروز می‌دانیم که باید خرمندانه و هوشمندانه رفتار کنیم. این اتفاق توانمان برای نخبگان سیاست و مردم بزرگ ایران افتاده است. نخبگان در یافتند که اگر باهوش و فداکار نباشند، باید دورلی طولانی از خرابی اوضاع جهان را تحمل کنند و مردم ایران که انتظارات خود را منطقی و خواسته‌های خود را محدود و واقع‌بینانه کردند و بر داشته‌های خود تکیه کردند. اینک ما پیروز شداییم. ما نشان دادیم که منطبق رفتار سیاسی را یاد گرفته‌ایم. می‌توانیم به جای تکیه بر ستاره‌ها چون یک تیم مشکل رفتار کنیم. رهبران اصلاح‌طلب نشان دادند بلوغ کامل سیاسی برای عبور از گردنه‌های سخت سیاست را دارا می‌باشند. این می‌تواند برای مردم ایران سرمایه گرانسنگی باشد. در این میانه وجود سرمایه‌هایی چون سیدمحمد خاتمی و اکبر هاشمی‌رفسنجانی و تعامل خرمندانمان ظرفیت‌های بی‌اندازی را پیش پای ما نهاده است.

۳- شاید امیدواری برخی بر این‌ بود که نیروهای اصلاح‌طلب و معتدل که از طریق صندوق‌های رای به دنبال مطالبات قانونی خویش هستند، ناامید شده و صحنه را خالی کنند. طرح برخی شایعات درباره ناتوانی مردم از طریق صندوق رای که از سوی تندرهای بی‌منطق مطرح می‌شود، در تعارض با نظارت مقام‌عظم‌هربری است. آنجا که تاکید داشته‌اند ایشان تنها یک رای دارند و نظرشان به هیچ‌کس نیست. خرج کردن از رهبری نظام، برای یک جریان با فرد خاص هزینه‌ای سنگین برای کلیت نظام‌اسلامی دارد. عاشقان واقعی ولایت باید جلوی ایگه‌ونی پندیری‌ها بایستند.

۴- کناره‌گیری عارف از رقابت‌های انتخاباتی بزرگ‌ترین پیروزی و دستاورد ما در عرصه سیاست است. روزگاری در این سرزمین ملیون و رجال خوشنام در نهضت ملی‌شدن نفت یا در انقلاب اسلامی برای آنکه نامشان در کجای بیابنه‌های صادره قرار می‌گیرد با هم دعوا داشتند! سیاست نه‌تنها اخلاقی نبود که محل بروز کینه‌ها و نفرت‌ها می‌نمود، اما مردم ایران نشان داده‌اند که همواره میراث خود را به سان قفتوس که از دل خاکستر می‌روید در تنگ‌ترین و متیق‌ترین فرصت‌ها می‌سازند. این است رمز ماندگاری مرئمانی که قرن‌هاست در صفحه گیتی می‌ریند. گویا این‌بار نیز قرار است نسیم خنک و آب زلال اخلاقی در سیاست از کم‌اب‌ترین منطقه جغرافیایی ایران یعنی کویر درآید. یزد سرزمین ستاره‌ها، هیوط عشقانی تنها و دریاخان. آنجا که وقتی دستانت را دراز می‌کنی می‌خواهی ستاره بجویی. همان‌جایی که با سخاوتش سیدمحمد خاتمی را به ما هدیه داد. طرفه اینکه عارف نیز از همان جا برخاسته است. کات عارف بزرگ‌تر از ماندگاری روحانی برای مبارزه با مشکلات است. سیاستمداران می‌آیند و می‌روند اما تنها معودلی از آنها بر تارک تاریخ بر صدر می‌نشینند. اینک جناب عارف از آن دسته است. بر ایران داشتن مردانی از جنس خاتمی و عارف مبارک است. حال می‌توان فهیمد خاتمی چرا و را به معاونت خویش برگزیده بود. او ن‌تنها معاون اول که معاون اخلاق او هم بود. چقدر مردمان جهان آرزو دارند که سیاستمدارانی چون شام‌هاشته باشند. چقدر زیستن مردان بزرگی چون شمایان برای هر سرزمینی مغتنم است. از این روست که می‌گویم ما پیروز شداییم.



اما کماکان در اردوگاه مقابل یا اصولگرایان، طیفی‌بودن مشهود است البته بعید می‌دانم که ندوام داشته باشد. عقل سیاسی اقتضا می‌کند در برابر قطبی‌شدگی طرف مقابل، یک‌قطبی‌شدگی متقابل نیز صورت بگیرد و احتمالا این اتفاق رخ می‌دهد.

امیدوارم هر اتفاقی که در این روزهای آخر می‌افتد بر مشارکت مردم در انتخابات اثر منفی نگذارد و مردم فارغ از حال و روز جریانات سیاسی، از بین کاندیداهای موجود و از سر تحقیق و آگاهی در پای صندوق‌های انتخابات حضور به هم رسانند و به کاندیدای خود رای دهند.

امیدوارم تا جایی که ممکن است، فضا طیفی باقی بماند و دست‌کم یکی از شرایط ساختاری حضور حداکثری مردم، که طیفی‌بودن آرایش انتخاباتی است، و از سر آگاهی صورت گیرد.

حضور حق‌آور

فکری که وجود دارد خاتمه دهد. ما باید برویم به سمت اینکه بر اقتدار و انسجام داخلی بیفزاییم. با این هرم می‌شود بهتر بر شرایط موجود غلبه کرد تا با الفاظ تند و خشن. به نظر مردم ما باید به این جمع‌بندی برسند و توجه داشته باشند که اگر در انتخابات حضور پیدا کنند می‌توانند بعد هم به نقد و اعتراض بپردازند و این کارآمدتر است تا اینکه فاصله بگیرند و انزوا پیشه کنند حقی هم نمی‌تواند برای خودش متصور شود. ما در فرهنگ اسلام این را داریم که دی رفت و فردا همچنان معلوم نیست در میان آن و این فرصت شمار امروز را. ما باید به حال بیندیشیم و به آینده هم توجه کنیم. البته ما اگر بخواییم به گذشته برگردیم جای حرف‌فحودیت زیاد است اما اندیشه و عمل به حال و آینده ایجاب می‌کند که ما حضورمان را پر رنگ کنیم، درعین حال به نظارت و نقد و اعتراض خودمان طبق قانون ادامه دهیم.

رای‌ندادن حامل هیچ پیامی نیست

عزل‌طلبی روی آورد. اگر می‌خواهیم صادقانه مردم را به انتخابات دعوت کنیم باید کاری کنیم که افراد، بیشتر دنبال ترجیحات خود در انتخابات باشند. رای‌ندان در شرایط موجود، هیچ پیامی ندارد. حتی اگر چند میلیون نفر به علتی توافق کنند که رای ندهند حتی اگر میزانش به ۲۰ درصد شرکت‌کنندگان هم برسد این رخداد، حامل پیامی نیست و تاثیر عملی بیرونی ندارد. اگر شرایط به گونه‌ای بود که کنار کشیدن می‌توانست پیامی منتقل کند حرفی بود اما با رای‌ندادن هیچ پیامی منتقل نمی‌شود. شرایط ایران با تجمیع دو انتخابات شورا و ریاست‌جمهوری باعث شده که دعوت به عدم‌مشارکت در انتخابات و صندوق رای یکی از سهال‌اوصول‌ترین روش‌ها برای دستیابی به ایده‌های سیاسی – و البته نه صددرصد آمال – است. صندوق رای روشی برای دستیابی به ترجیح‌هاست نه ایدل‌ها. واقعیت‌های دنیای اطراف هم تاییدکننده همین است که رسیدن به ترجیح‌ها بهتر از نرسیدن به هیچ چیزی است. نمی‌شود کتمان کرد که نوعی سرخوردگی در جامعه از سال‌های قبل به وجود آمده که باعث می‌شود خیلی‌ها عطای شرکت در انتخابات را به لقای آن ببخشند و به یک نوع درویش‌مسلکی و به هیچ چیزی است.

نمی‌شود کتمان کرد که نوعی سرخوردگی در جامعه از سال‌های قبل به وجود آمده که باعث می‌شود خیلی‌ها عطای شرکت در انتخابات را به لقای آن ببخشند و به یک نوع درویش‌مسلکی و به هیچ چیزی است.

حالت کمایی که رای‌دهندگان از سال۸۸ پیدا کرده بودند؛ آرام‌رام به هوشیاری می‌رسد و فکر نویدی بهتر از این، مهم نیست که تحلیلگران باور کنند یا نه.

گاهی آنها هم از مردم جا می‌مانند. مردم دارند فکر می‌کنند و کسی نباید مزاحمشان شود. اگر حرف‌های طیف ما منطقی بوده، این مردم با نظر ما هم‌دلسان خواهند بود و هر شوک دیگری را بر بدن بیدارده‌شاد پس خواهند زد. آنچه در صحنه است، رقابت میانه‌روی با طیف مقابل است. دکتر عارف با بدنه اصلاح‌طلبان رای عقلا و دلسوزان را تمکین کردند و فروتنانه کنار کشیدند. نظیر مقابل برای کار معناهایی خواهد تراشید. اما این اصلاح‌حات این اختلاف دو معنا دارد. اول اینکه اختلاف یک ترکیب است و انتخاب یک نفر به‌معنای هضم در دیگری نیست. سوگند کن‌ترروحانی در این‌باره تصمیم کار است و مسوولیت وی را در برابر عقلائی که او را برگزیدند و بدنه اکثریتی اصلاحات دوجندان می‌کند. دوم اینکه در این ترکیب، جریان اعتدال به خوشاوندی اصلاحات، یک هم افزایی بی‌سابقه در

سیاست

رسیدن به روحانی با درس از تجربه ۸۴

تغییر است. آثار برخی تصمیمات ممکن است تا ده‌ها سال در کشور ماندگار شود، برای همین تصمیم ساده‌ای نیست که قهر کنیم یا کنار بکشیم. عدم شرکت باعث می‌شود. در بدترین حالت آن افرادی پیروز میدان شوند که مطلوب نیستند، کسی که در انتخابات شرکت نکرده این‌دغدغه برایش خواهد بود که اگر می‌آمدم این فرد نمی‌آمد. از این سو هم اصلاح‌طلب‌ها نشان دادند که موضوع اجماع برایشان اولویت دارد و حاضر نیستند تعدد کاندیدا را فدای منافع ملی کنند. تجربه سال ۸۴ هم برای اصلاح‌طلب‌ها بسیار مهم بود و همین باعث شد تا بر سر یک نامزد به اجماع برسند تا اگر فردای انتخابات اتفاقی رخ داد دچار حس خسران نشوند و در نهایت این تصمیم شورای مشورتی اصلاحات بود که باید از آقای حسن روحانی حمایت کرد و آقای عارف هم با رفتاری جوانمردانه از خودش گذشت و نظر جمع را پذیرفت. حسن روحانی فردی اعتدالگراست که افرادی از گرایش‌های سیاسی مختلف می‌توانند با او کار کنند. او توان خوبی برای جمع‌بندی مسایل سیاسی دارد و در حوزه بین‌المللی و اقتصادی فرد بافکر و برنامه‌ای است و در عین حال که به عنوان نامزد مستقل در انتخابات شرکت کرده اما می‌تواند دغدغه‌ها و خواست‌های مردم، اصلاح‌طلب‌ها و تحول‌خواهان را برآورده سازد.

جمعه باران

بهترین انجمنیبل، بهترین تحصیلات، بهترین فرزندان و بهترین زندگی و… هر یک از ما چه اندازه توانسته‌ایم به این رویاهای دست یابیم؟ تلاش می‌کنیم. گاه از جان مایه می‌گذاریم. اما تقریباً هیچ‌گاه به همه آنها نمی‌رسیم. اگر چه گاه به هیچ‌کدام نمی‌رسیم اما اغلب، بهایی‌ها از آرزوهای خود را بالا می‌رویم و به بخش‌هایی از آنها دست می‌یابیم و باز به بالا نگاه می‌کنیم و تلاش خود را ادامه می‌دهیم. امیدها و رویاهای ما همواره زنده‌اند و از ما جلوتر. ما به آنها زنده‌ایم. چرا در عرصه عمومی، مانند انتخابات، چنین نگاه واقع‌بینانه‌ای نداشته باشیم؟

۴- وقتی اینجا را کنار هم می‌گذارم، برخلاف اغلب جمعه‌های بلا تکلیفی، برنامه‌ام برای روز جمعه بیست‌وچهارم خرداد معلوم می‌شود. لباس بیرون به تن می‌کنم. با یک بسم‌الله از خانه خارج می‌شوم. یادم نرود که شناسنامه‌ام را بردارم. پای یک صندوق رای می‌روم، که به خلاف هر جای دیگر، اینجا دوست دارم در صف طولانی ساعت‌ها منتظر بمانم. نام کاندیدای مورد نظرم را روی کاغذ می‌نویسم و با امید به روزی که بتوانم همه حق انتخاب کردنم را محکم و بی‌دغدغه به چشم ببینم و به اجرا بگذارم تلاشم را می‌کنم تا نگذارم در رویای به دست‌آوردن همه چیز، همه چیزمان را از ما بگیرند. رای خود را در صندوق می‌اندام. نام کسی را نوشتم‌ام که سید محمد خاتمی به او رای می‌دهد. امیدها و رویاهایم را نگه می‌دارم. آنها همواره زنده‌اند و از ما و آنچه هست جلوتر و فراتر.

وداع با قهر

دارد. حکومت‌مندی در این دوره بدون تأمین آرای متنوع شهروندان امکان‌پذیر نیست. همه شهروندان ما خودی هستند و باید با ادبیات احترام‌آمیز با آنها سخن بگوییم. حتی اگر رییس دولتی، خرسند از برد انتخابات، پشت تریبونی مردم را خس و خاشاک بنماید، این بر سایر مسوولان است که از مردم عذرخواهی کنند و به رای متفاوتشان به نامزد مورد نظر احترام بگذارند. اصول جمهوری‌اسلامی بر پذیرش آرای متنوع استوار بوده و هست و اگر رفتارهای خلاف این رویکرد صورت گیرد، تجربه جمهوری‌اسلامی در ایران با سوال مواجه خواهد شد. به شخصه با تمام توان و انرژی قابل به شرکت در انتخابات پیش‌رو هستم. سخنم خطاب به دوستانی که از سر ناامیدی به انتخابات آینده نگاه می‌کنند، این است که به خرد جمعی اطمینان کرده و بداندند که رای‌دادن، منافع شهروندی مطمئنی برای جامعه و بدنه اصلاح‌طلبی دارد. رای‌دادن فال‌ز از اینکه منتهی به باخت شود یا برد، دربردارنده یک پیام مستقیم است. اعداد و شمارگان آرای اصلاح‌طلب به نامزد مورد نظر است. این مساله نوعی مانور حضور و مشارکت است. اصلاح‌طلبی، ایده‌ای جداز حد اصلاح و تغییر تدریجی ندارد. اصلاح‌طلب سیور است، بی‌پاک است و این روزها بش از هر زمان دیگری «آینده‌نگر».

مشارکت، وظیفه اجتماعی هر شهروند

است که مالیات می‌گیرد و باید به مردم پاسخ دهد و ما فاقد چنین شرایطی هستیم. در چنین دولت‌هایی سطح مشارکت سیاسی کاهش پیدا می‌کند. توصیه من به دولتمردان و رییس‌جمهور آتی این است که سطح همبستگی بین مردم و حکومت را افزایش دهد. بنابراین این دولت باید در آینده تمایل بیشتری به سمت مردم داشته باشد. در دولت‌های فردی متفکران سیاسی معتقدند که یک اقلیت صاحب قدرت در یک اکثریت فاقد قدرت حکومت می‌کنند و به همین دلیل مشارکت کاهش پیدا می‌کند. اما با رای‌ندان، حکومت‌های بعدی هم میزان وابستگی به مردم را کم احساس می‌کنند و به همان نسبت مسوولیت کمتری را نسبت به خدماتشان به مردم احساس می‌کنند. بنابراین هرچقدر از رای‌ندان پیروی کنیم، سطع انتظارانمان از دولت کاهش پیدا می‌کند و عدم‌مشارکت سیاسی تبدیل به فرهنگی می‌شود. که موجب سردی روابط بین دولت و مردم می‌شود. بی‌تفاوتی به مساله رای می‌تواند بحران اجتماعی را به وجود آورد.



بله من به وزارت کشور بازگشتم و فرماندار «دافان» استان لرستان شدم. سپس مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استانداری ۱۴ و سال در استانداری، مدیر بودم. سال ۷۴ کاندیدای مجلس شدم و با اختلاف قابل‌توجهی به عنوان نماینده کوه‌دشت، وارد مجلس پنجم شدم. وقتی شهردار خرم آباد بودم، همکاری از هر دو جناح در شهرداری قفل بودند در آن مقطع شهر با بمباران‌های متعدد مواجه بود. من به زیرسازی خرم‌آباد اهمیت بسیار زیادی می‌دادم. پس از آن گروهی از وزارت کشور در آن سال مسوول ارزیابی شهرداران شدند و من به عنوان شهردار نمونه انتخاب شدم.